

نقش مردم در

تعبیل ظهور

قنبرعلی صمدی*



چکیده

مسئله پیش یا پس افکندن زمان ظهور و تأثیر انسان در آن، از مباحث مهم در باب ظهور حضرت مهدی ع است. بررسی این موضوع به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری آن در نگرش جامعه شیعه به آینده، آثار و پیآمدهای مهمی در بخش اصلاح جهت‌گیری‌های عمومی به دنبال خواهد داشت.

نگارنده در این نوشتار، با بررسی فرآیندپذیر بودن پدیده ظهور و رابطه تحقق ظهور با نحوه تعامل و رویکرد عمومی به این موضوع، به تبیین نقش مردم در زمینه سازی و تسریع فرایند ظهور خواهد پرداخت.

اما بررسی عوامل و بایسته‌های تعجیل ظهور، موضوع مقاله بعدی است که در شماره‌های آتی خواهد آمد.

واژگان کلیدی

انتظار، ظهور، تعجیل، مردم، فرآیند، نظریه، نقش، حصولی، تحصیلی.

مقدمه

۱. موضوع انتظار ظهور حضرت حجت □ ، آخرین امام زنده و حاضر شیعیان در عصر غیبت، از مهم‌ترین عناصر تفکر شیعی است. این عنصر که شیعه را از دیگر فرقه‌های اسلامی متمایز می‌سازد، مهم‌ترین عامل تحرک و پویایی شیعیان و امید آنان به آینده روشن جهان شمرده می‌شود. به همین دلیل، بزرگ‌ترین دغدغه و آرمان انسانی آنان فرارسیدن زمان قیام حضرت بقیه‌الله الأعظم □ است که موجب می‌شود همواره با شوق فراوان تعجیل را در ظهور آن مصلح جهانی از خداوند بخواهند.

بحث درباره انتظار ظهور و تعجیل در آن، بحث درباره تغییرپذیری و تغییرناپذیری پدیده ظهور را به دنبال دارد. آیا ظهور پدیده‌ای طبیعی و متأثر از عوامل عادی است، یا تنها به اراده فراطبیعی خداوند وابسته است؟

این تحقیق به مسئله ظهور از نظر زمانی و ثابت یا متغیر بودن آن می‌پردازد و نگرش‌های موجود را درباره تأثیر انسان در آن بر می‌رسد.

۲. محققان تاکنون به طور شایسته به بحث مهم تعجیل در ظهور، ماهیت، آثار و پی‌آمدهای آن، نپرداخته‌اند. از این رو، بررسی مبانی کلامی این بحث و تأثیرهای آن در جهت‌گیری‌های اصلاحی و تربیتی جامعه، ضروری است.

این نوشتار، با بررسی امکان‌پذیری تعجیل در ظهور، تأثیر مردم را در آن با استفاده از شواهد قرآنی و روایی، تبیین می‌نماید.

۳. بحث تعجیل در ظهور، با پرسش‌های مهم و فراوانی درباره ماهیت ظهور و رابطه آن با اراده و خواست جمعی انسان‌ها، همراه است:

آیا زمان ظهور با اراده تکوینی خداوند از پیش تعیین شده و به طور جبری تحقق می‌یابد یا دیگر عوامل مانند اراده و خواست بشر و اوضاع طبیعی، در تقدم یا تأخر آن تأثیرگذار است؟

آیا ظهور پدیده‌ای قهری و حصولی است، یعنی تنها به خواست خداوند تحقق می‌یابد و انسان‌ها در برابر آن هیچ وظیفه‌ای ندارند یا پدیده‌ای اختیاری تحصیلی است، یعنی اراده انسان‌ها در فرآیند ظهور تأثیر می‌گذارد و آنان به فراهم آوردن زمینه‌های تحقق آن مکلفند. نظریه‌های مهم درباره تأثیر مردم در تحقق پدیده ظهور کدامند؟

راه یافتن به پاسخ صحیح این پرسش‌ها نیاز امروز ما و رسالت اصلی این نوشتار است. از این رو، مقاله حاضر در دو محور اصلی سامان‌دهی شده است:

۱. بررسی امکان تعجیل در ظهور؛

۲. تأثیر مردم در تعجیل در ظهور.

امکان تعجیل در ظهور

تعجیل در ظهور، تنها پس از اثبات تغییرپذیری زمان ظهور امکان‌پذیر است. بنابراین، پیش از پرداختن به امکان تعجیل در ظهور، به بحث درباره تغییرپذیری یا تغییرناپذیری زمان ظهور باید پرداخت.

موضوع انتظار ظهور حضرت حجت □ ، آخرین امام زنده و حاضر شیعیان در عصر غیبت، از مهم‌ترین عناصر تفکر شیعی است. این عنصر که شیعه را از دیگر فرقه‌های اسلامی متمایز می‌سازد، مهم‌ترین عامل تحرک و پویایی شیعیان و امید آنان به آینده روشن جهان شمرده می‌شود.

تغییرپذیری زمان ظهور^۱

زمان ظهور، بر پایه منابع نقلی امری ثابت و معین نیست، بلکه پدیده‌ای تغییرپذیر است که دیگر پدیده‌ها و عوامل محیطی و انسانی، در تقدیم یا تأخیر آن تأثیر می‌گذارند.

و أكثرُوا الدَّعاءَ بتعجيلِ الفرجِ فإنَّ ذلکَ فرجکم.^۲

أفضلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انتظارُ الفرجِ.^۳

أفضلُ جهادِ أُمَّتِي انتظارُ الفرجِ.^۴

يُخْرِجُ نَاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ.^۵

این روایات نشان دهنده تغییرپذیری زمان ظهور است؛ زیرا اگر زمان ظهور نیز مانند زمان قیامت ثابت و معین بود و عوامل دیگری در آن تأثیر نداشت، سفارش کردن به دعا برای تعجیل در ظهور و سخن گفتن درباره آمادگی، انتظار، زمینه‌سازی و تلاش برای برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی □، بی‌معنا و بیهوده بود.

تفاوت وقت ظهور با وقت قیامت

رخ‌داد ناگهانی ظهور حضرت حجت □ به دلیل نامعلوم بودن وقت آن، در برخی از روایت‌ها به حادثه قیامت تشبیه شده است.

پیامبر □ در پاسخ به پرسشی درباره زمان خروج حضرت قائم □ فرمود:

إنَّما مثله كمثل الساعة لا تأتیکم إلا بغتة؛^۶

پدیده قیام حضرت مهدی □، مانند قیامت به طور ناگهانی تحقق می‌یابد.

این حدیث نبوی از امام باقر □ نیز نقل شده است.

زمان تحقق ظهور نه به دلیل ثابت و معین بودن که به سبب نامعلوم و ناگهانی بودن آن، به زمان وقوع قیامت تشبیه شده است.

حکمت پنهان بودن وقت ظهور و تکذیب کردن تعیین کنندگان وقت برای آن «کذب الوقاتون، کذب الوقاتون، کذب الوقاتون»^۷، جلوگیری از سوء استفاده آیندگان فرصت طلب از این موضوع است. پس تعیین وقت ظهور به دلیل تغییرپذیری

اوضاع و عوامل مؤثر در تحقق آن، ناشدنی است. این تحلیل احتمالاً درست‌تر و دقیق‌تر است.

رخ‌داد ظهور تأثیر فراوانی در تحول جهان دارد و کنش‌ها و واکنش‌ها، قطب‌بندی‌ها و دیگر اوضاع جهانی را در زمان کوتاهی دگرگون می‌سازد. این پدیده که با تحقق یافتن آرمان‌های گم شده و خواسته‌های فطری انسان، همراه است، بشر خسته از نظام‌های ظالمانه و فاسد را به سوی حکومتی جهانی و عادلانه و استوار بر پایه رشد و کرامت انسانی فرا می‌خواند.

بنابراین، مردم قیام حضرت مهدی □ را به دلیل تأثیرهای بنیادین و گسترده آن در وضع جهان، هم‌چون رخ‌داد قیامت غافل‌گیرانه و ناگهانی می‌شمارند.

تفاوت مهم این دو رخ‌داد در این است که البته ساعت قیامت و زمان وقوع آن به کارکرد انسان وابسته نیست، یعنی قیامت با فرا رسیدن آن ساعت، تحقق می‌یابد و عامل انسانی یا دیگر عوامل زمان آن را نمی‌تواند تغییر دهد. اما حادثه ظهور رابطه‌ای مطلق و لا‌بشرط با عوامل بیرونی، به ویژه عامل انسانی ندارد، تا در زمانی معین به طور قهری (بدون دخالت عوامل محیطی و انسانی) روی دهد. زمینه‌های وقوع این رخ‌داد با توجه به ارتباط مستقیم آن با وضع اجتماعی، نوع رفتار و رویکرد انسان فرق می‌کند و عوامل محیطی و انسانی در تقدّم و یا تأخّر آن تأثیر گذارند.

نقش مردم در تعجیل ظهور

عوامل محیطی و طبیعی از عامل انسانی تأثیر می‌پذیرند. از این‌رو، بررسی تأثیر مردم در فرآیند ظهور، مهم‌ترین موضوع در این مقوله شمرده می‌شود.

آیا انسان‌ها می‌توانند با عمل کرد خود زمان وقوع ظهور را پیش یا پس بیاورند؟ آیا وظیفه آنان زمینه‌سازی برای ظهور در عصر غیبت است؟

این بحث در رویکردهای جامعه شیعه عصر غیبت و در حوزه اندیشه سیاسی شیعه تأثیر و نتیجه‌نیکویی می‌تواند بگذارد و بر شتاب و گستره حرکت اصلاحی این جامعه بیافزاید.

دو فرضیه سلبی و ایجابی در این باره مطرح شده است:

۱. پدیده ظهور امام عصر □ و تشکیل دولت حق، بر پایه

این فرضیه، از قلمرو خواست و اراده انسان بیرون و فقط به خواست و اراده الهی وابسته است. مردم هیچ نقشی در تعجیل و یا تأخیر وقت ظهور ندارند.

۲. این فرضیه بر پایه ارتباط مستقیم پدیده ظهور با نوع روی کرد و خواست جمعی انسان‌ها استوار است. تحقق ظهور در این فرض به اراده الهی وابسته است، اما خواست حکیمانه خداوند به نوع روی کرد مردم به آن حضرت، خواست جمعی و فراهم شدن زمینه‌های تحقق ظهور مشروط است.

این دو نگرش متفاوت با توجه به پی‌آمدهای متضاد آنها، در قالب دو نظریه حصولی و تحصیلی بررسی می‌شود.

الف) نظریه حصولی

این نظریه به دو شکل و در دو گفتار طرح می‌شود:

۱. پیش یا پس افتادن زمان ظهور، فقط به خواست و اراده الهی وابسته است و عوامل دیگر مانند عامل انسانی، هیچ تأثیری در آن ندارند. ظهور بر این پایه پدیده‌ای جبری و از حوزه تأثیرگذاری انسان بیرون است.

۲. مردم در عصر غیبت به زمینه‌سازی برای پیش افکندن زمان ظهور مکلف نیستند. آنان برای ظهور آن حضرت □، تنها باید دعا کنند و منتظر باشند تا آن روز موعود، فرا برسد؛ زیرا روایات، هرگونه نقش‌آفرینی و تلاش و قیام را در عصر غیبت برای ظهور امام، بی‌اثر، بلکه ممنوع و حرام دانسته‌اند.

این گفتار بر سرگردانی و بی‌تأثیری مردم در عصر غیبت، تأکید و چنین استدلال می‌کند که هیچ رابطه علی میان خواست مردم و پدیده ظهور، وجود ندارد، عوامل ظهور فرازمینی‌اند، آنها را در آسمان‌ها باید جست و کوشش و تلاش انسان‌ها نتیجه‌ای به بار نخواهد آورد. آن‌چه معمولاً در برابر نظریه تحصیلی مطرح می‌شود، گفتار دوم است. اما نتیجه هر دو این است که مردم در عصر غیبت باید دست روی دست بگذارند تا زمان ظهور خود فرا برسد.

این دیدگاه،^۸ از سطحی‌نگری و تحلیل نادرست روایات درباره قیام‌های پیش از ظهور سرچشمه می‌گیرد. پیروان این اندیشه با استناد به برخی از روایات، زمینه‌سازی ظهور را در عصر غیبت نفی می‌کردند.

امام خمینی □ این گروه را به چند دسته تقسیم می‌کند:

بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، حسینیه و منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان □ را از خدا بخواهند. اینها مردمی صالح هستند ... به تکالیفشان هم عمل می‌کنند، امر به معروف و نهی از منکر هم می‌کنند، لکن همین دیگر! غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند نبودند.

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند، این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد ... ما تکلیف‌های خودمان را عمل کنیم.

مردم قیام حضرت مهدی □ را به دلیل تأثیرهای بنیادین و گسترده آن در وضع جهان، هم‌چون رخداد قیامت غافل‌گیرانه و ناگهانی می‌شمارند. تفاوت مهم این دو رخداد در این است که البته ساعت قیامت و زمان وقوع آن به کارکرد انسان وابسته نیست، یعنی قیامت با فرا رسیدن آن ساعت، تحقق می‌یابد و عامل انسانی یا دیگر عوامل زمان آن را نمی‌تواند تغییر دهد. اما حادثه ظهور رابطه‌ای مطلق و لاینشرط با عوامل بیرونی، به ویژه عامل انسانی ندارد، تا در زمانی معین به طور قهری (بدون دخالت عوامل محیطی و انسانی) روی دهد. زمینه‌های وقوع این رخداد با توجه به ارتباط مستقیم آن با وضع اجتماعی، نوع رفتار و رویکرد انسان فرق می‌کند و عوامل محیطی و انسانی در تقدّم و یا تأخر آن تأثیر گذارند.

برای جلوگیری از این امور هم، خود حضرت بیایند، ان شاء الله درست می‌کنند! دیگر ما تکلیفی نداریم جز این که دعا کنیم که ایشان بیاید و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد، نداشته باشیم. اینها هم یک دسته مردمی بودند که صالح بودند.

یک دسته می‌گفتند باید عالم پر از معصیت بشود تا حضرت بیاید. ما باید نهی از منکر نکنیم امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند تا گناه زیاد شود و فرج نزدیک شود! یک دسته از این بالاتر می‌گفتند باید دامن زد به گناهان، مردم را به گناه دعوت کرد تا دنیا پر از ظلم و جور بشود و حضرت □ تشریف بیاورند! البته در بین این دسته منحرف‌هایی هم بودند، اشخاص ساده‌لوح هم بودند، منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصدی به این امر دامن می‌زدند.

یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است.^۹

بنابراین، تأکید کردن بر بی‌اعتنایی شاخصه‌های اصلی و مشترک این دیدگاه با همه گوناگونی پیروان آن شیعیان به رخ داد ظهور در عصر غیبت، نفی کردن تکلیف آنان و واگذاری اصلاح کارها به حضرت مهدی □ است. این دیدگاه هیچ‌گونه الزام و کوشش را برای زمینه‌سازی و برپایی حکومت عدل نمی‌پذیرد و هر گونه تلاش را در این باره مانع رخ داد ظهور می‌پندارد.

این اندیشه درباره انتظار، در وضع رکود جامعه شیعه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، اوج گرفت. بسیاری از علمای بزرگ نیز چنین می‌اندیشیدند. اما پیروزی انقلاب اسلامی، روشن‌گری روحانیان آگاه و ژرف‌نگر، به ویژه هشدارهای امام خمینی □ درباره آسیب‌های فرساینده این اندیشه تاریک، موجب شد که این پندار از حوزه تفکر شیعه بیرون رود و نفوذ آن پایان یابد. دیدگاه حصولی گذشته از پی‌آمدهای مخرب و خسارت‌باری

که دارد، از پشتوانه نظری محکمی برخوردار نیست؛ زیرا هیچ توجیه منطقی و عقلانی ندارد، با سنت الهی تغییرپذیری سرنوشت و تأثیرگذاری انسان در آن سازگار نیست و با روایت‌هایی مانند نظیر حدیث نبوی «یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطان»^{۱۰} متعارض است. افزون بر اینها، بیهوده شدن برخی از دستورهای سیاسی اسلام را مانند امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، حمایت از مظلوم و ...، در پی دارد. بنابراین، اگر روایت‌هایی نیز با چنین مضمونی وجود داشته باشد، به دلیل مخالفت با نص صریح قرآن، به درستی باید توجیه شود.

ب) نظریه تحصیلی

پدیده ظهور در این نظریه، با خواست جمعی انسان‌ها رابطه‌ای مستقیم دارد. انسان‌ها برای تحقق ظهور و تعجیل در آن، باید به استقبال آن بروند و زمینه‌های این تحول را فراهم آورند؛ زیرا ظهور به اراده و فرمان الهی صورت می‌پذیرد، اما این اراده تنها در مجرای اسباب طبیعی و عادی، تحقق می‌یابد. مهم‌ترین سبب در تحقق این رخ داد، اراده و خواست جمعی انسان‌هاست. خداوند با توجه به این خواست و مصلحت کلی بشر، کار مردم را تدبیر می‌کند و حتمیت می‌بخشد.

خداوند ظهور را به رغم خواست جمعی و نبود شرط‌های لازم، به جامعه بشری تحمیل نمی‌کند؛ بلکه جامعه بشری با آگاهی به اهمیت ظهور آن را باید بپذیرد تا حضرت مهدی موعود □ بیاید و برنامه‌های ارزنده خود را برای بشر اجرا کند.

نبود شروط لازم، بنابر این نظریه، مهم‌ترین عامل محروم ماندن جامعه از حضور امام معصوم □ است. شیعیان زمینه‌های حضور حضرت بقیة الله □ و اجرای برنامه‌های دینی را در جامعه باید پدید آورند؛ زیرا انتظار ظهور و درخواست تعجیل در آن، بدون توجه به مقدمه‌ها و زمینه‌های آن، بی‌نتیجه خواهد ماند.

مسئله ظهور به نوع عمل کرد جامعه بشری وابسته است، به همین دلیل انتظار فرارسیدن آن، از روی کردها و کارکردهای کلی و تلاش‌های زمینه‌ساز پیروان آن حضرت □ برای رفع موانع، جدا نیست. اگر انسان‌ها بدون هیچ گونه تلاش برای پیش افکندن زمان، در ظهور، امید تحقق این انقلاب به دست

خداوند ظهور را به رغم خواست جمعی و نبود شرط‌های لازم، به جامعه بشری تحمیل نمی‌کند؛ بلکه جامعه بشری با آگاهی به اهمیت ظهور آن را باید بپذیرد تا حضرت مهدی موعود $\square$ بیاید و برنامه‌های ارزنده خود را برای بشر اجرا کند. نبود شروط لازم، بنابر این نظریه، مهم‌ترین عامل محروم ماندن جامعه از حضور امام معصوم $\square$ است. شیعیان زمینه‌های حضور حضرت بقیه‌الله $\square$ و اجرای برنامه‌های دینی را در جامعه باید پدید آورند؛ زیرا انتظار ظهور و درخواست تعجیل در آن، بدون توجه به مقدمه‌ها و زمینه‌های آن، بی‌نتیجه خواهد ماند.

فرشتگان، جنیان و دیگر عوامل غیبی باشند، در انتظار رسیدن به سراب حکومت عدل جهانی، به سر می‌برند و نشانی از ظهور آن حضرت $\square$ نخواهند دید؛ زیرا پدیده ظهور، از وضع موجود این جهان بریده نیست، بلکه پدیده‌ای طبیعی مربوط به همین انسان‌ها و جامعه جهانی به شمار می‌رود که اجرای روش نو و برپایی نظام عدل جهانی را به دنبال می‌آورد. روشن است که چنین پدیده‌ای به سبب‌ها و مقدمه‌های عادی مانند هم‌راهان نیرومند و یاران ویژه نیاز دارد.

نظریه تحصیلی از دیدگاه اندیش‌مندان شیعه

بسیاری از اندیش‌مندان و عالمان بزرگ شیعه، این گفتار را می‌پذیرند:

۱. مرحوم شیخ طوسی از اندیش‌مندانی است که بر وجوب تلاش برای گسترش قدرت حضرت در عصر غیبت، تحصیلی بودن پدیده ظهور و تأثیرگذاری مردم در آن، تأکید می‌کند.

وی با طرح این بحث که بسط ید و سلطه قهری امام زمان $\square$ به اراده الهی بر اجرای امور، موجب اضطراب و سقوط تکلیف می‌شود، زمینه‌سازی را برای بسط ید آن حضرت، تکلیف اجتماعی شیعیان در عصر غیبت و واجب شرعی می‌داند:

هم اراده الهی و هم تلاش ما در بسط ید و قدرت و سلطنت امام زمان $\square$ مؤثر است، اگر خداوند بنا به مصالحی به وی بسط ید نداد، می‌دانیم که باز هم تقویت و بسط ید امام زمان $\square$ ، بر ما یک تکلیف واجب است، چون این امر وابسته به آمادگی ماست... اگر بسط ید آن حضرت از کارهای خداوند می‌بود، ناچار می‌باید مردم در اطاعت و تمکین از آن حضرت، مجبور می‌شدند و خداوند میان امام مهدی $\square$ و توطئه دشمنان ایشان مانع ایجاد می‌کرد تا کسی نتواند به وی آسیب برساند؛ یا این‌که او را توسط فرشتگان تسلط می‌بخشید و چنین کاری منجر به اضطراب و سقوط تکلیف خواهد شد. پس در هر شرایطی بر ما واجب است که برای بسط ید امام مهدی $\square$ تلاش نماییم و اگر ما تلاش نکردیم، تقصیر خود ماست.^{۱۱}

۲. شهید سید محمد باقر صدر نیز از متفکران بزرگی است که به تأثیر زمینه‌سازانه انسان در فرآیند ظهور، اعتقاد فراوان دارد و آمادگی بشر را برای ایجاد این تحول بنیادی ضروری می‌داند.

وی درباره علت تأخیر حضرت مهدی $\square$ ، رهبر انقلاب جهانی می‌فرماید:

انقلاب جهانی امام زمان $\square$ از جهت اجرا، نظیر دیگر انقلاب‌ها به زمینه‌های عینی و خارجی آن انقلاب بستگی دارد. برای تحقق چنین انقلاب بزرگی، وجود رهبر صالح و الهی کافی نیست و گر نه در عصر خود پیامبر $\square$ این شرط محقق بود. تأخیر بعثت پیامبر اکرم $\square$ ، بعد از پنج قرن گذشت دوران جاهلیت نیز به دلیل فراهم نبودن زمینه‌ها و شرایط آن بوده است. خداوند قادر است که همه

مشکلات و گردنه‌های پیش روی حضرت را برای رساندن پیام آسمانی حضرت به مردم جهان، یک‌باره مرتفع سازد و به صورت قهری آن حضرت را مسلط نماید، اما این شیوه را اعمال نکرده است؛ زیرا چنین روشی با سنت امتحان و آزمایش که موجب رشد و تکامل جامعه انسانی است، منافات دارد و این سنت الهی در صورتی تحقق می‌یابد که روند تحولات و تغییرات مطابق با شرایط خارجی و به صورت طبیعی انجام پذیرد؛ زیرا رسالتی که آن حضرت برای آن ذخیره شده، تغییری بنیادی و جهانی است که همه بشر را از تاریکی جور به نور هدایت و عدل می‌رساند، نه یک تغییر و دگرگونی منطقه‌ای و مقطعی.^{۱۲}

۳. امام خمینی رحمه‌الله بیش از دیگر اندیش‌مندان بزرگ شیعه، از خطر تفکر جمودگرایان منفی‌نگر سخن گفته و به جامعه روحانیان شیعه درباره پی‌آمدهای خسارت‌بار آن، هشدار داده است. امام، درباره افرادی که به وضع موجود بی‌اعتنا نیستند و به تکلیف خود در برابر منکرات عمل نمی‌کنند، چنین می‌فرماید: یک آدم اگر سفيه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست سیاست این کار را نکرده باشد که بازی بدهند ماها را که ما کاری به آنها نداشته باشیم و آنها بیایند هر کاری می‌خواهند انجام دهند، این باید خیلی آدم نفهمی باشد.^{۱۳}

ایشان با تأکید بر ضرورت عمل به تکلیف سیاسی - اجتماعی در عصر غیبت، جنگیدن با ظالمان و تشکیل حکومت اسلامی را زمینه‌ساز ظهور حضرت عجل‌الله تعالی فرجه‌ه و تکلیفی شرعی می‌دانند:

ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم، تکلیف شرعی ماست، منتهی ما نمی‌توانیم. اینی که هست این است که حضرت عالم را پر می‌کند از عدالت، نه این که شما دست بردارید از تکلیفتان.^{۱۴}

ای بی‌خردان! اسلامی که می‌گوید: «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً»؛^{۱۵} آیا می‌گویید بنشینید تا طعمه دیگران شوید؟ اسلامی که می‌گوید: «وَأَقْتُلُوهُمْ

حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ»؛^{۱۶} آیا می‌گویید دست روی دست بگذارید تا دیگران بر شما مسلط شوند؟ اسلامی که می‌گوید: الخیر کلّه فی السیف و تحت ظلّ السیف و لا تقیم الناس إلاّ السیف و السیوف مقالید الجنّة و النار؛^{۱۷} و صدها آیات و احادیث دیگر برای جنگ با اجانب و حفظ استقلال کشور، آیا مردم را از کوشش و جنگ باز می‌دارد؟^{۱۸}

امام خمینی رحمه‌الله با ابلهانه خواندن ادعای مخالفان برپایی حکومت در عصر غیبت، آنان را افرادی غافل و فریب‌خورده سیاسی و آن ادعا را مخالف نص آیات الهی می‌دانست:

اگر فرض کنیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم، برای این که خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد! این را باید به دیوار زد، این گونه روایت قابل عمل نیست و این نفهم‌ها نمی‌دانند چه می‌گویند. هر حکومتی باشد، حکومت باطل است ... الان عالم پر از ظلم است، ما اگر بتوانیم جلو ظلم را بگیریم باید بگیریم، تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن است که تکلیفمان کرده است. ما باید برویم همه کار را بکنیم. ما باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت.^{۱۹}

نظریه تحصیلی که تأثیرگذاری انسان را در فرآیند ظهور اثبات می‌کند، به پشتوانه دلایل محکم فلسفی، کلامی، قرآنی و روایی، روی کرد راه‌بردی شیعه را در عصر غیبت می‌تواند روشن می‌سازد.

از این‌رو، زیرساخت‌های عقلی و نقلی این نظریه به طور فشرده، بررسی می‌شود تا ابعاد گوناگون و پی‌آمدهای سودمند آن آشکار گردد:

۱. تحلیل عقلی

تحلیل عقلی درباره تحصیلی بودن ظهور، پس از بررسی چگونگی رابطه اراده الهی با پدیده‌های اجتماعی امکان می‌یابد؛ زیرا این بحث، یکی از زیرمجموعه‌های اصل عقلی علیت است.

نزدیک شدن زمان ظهور و تحقق آن، به طور مطلق و لایشرط به اراده الهی وابسته نیست، بلکه به فراهم شدن زمینه و مقدمه‌های آن نیز مشروط است و عوامل انسانی و آمادگی اوضاع اجتماعی، بخشی از مهم‌ترین عوامل و اسباب به شمار می‌روند؛ زیرا پدیده ظهور و تشکیل حکومت عدل جهانی به دست حضرت حجت $\square$ ، پدیده‌ای طبیعی، این جهانی یکی از نیاز بشر و به سرنوشت جامعه انسانی مربوط است.

بی‌گمان نظام عالم هستی، بر پایه‌ای با نام علیت استوار شده که اصل و قانون کلی، فلسفی، عقلی و زیربنای همه اصول به شمار می‌رود. پدیده‌ای مانند ظهور بدون اراده الهی تحقق نمی‌پذیرد. البته افزون بر اراده الهی مبادی اختیاری و علل معده دیگری برای تحقق پدیده‌های اجتماعی و اختیاری انسان ضروری است.

تحقق هر پدیده‌ای در این جهان که جهان اسباب و مسببات است، به اندازه تأثیرش در عوامل طبیعی، مادی و معنوی و تأثیرش از آنها، وابسته است. مجموعه این عوامل شناخته و ناشناخته، علت تامه آن پدیده‌اند و هر نوع تغییر و دگرگونی این عوامل، در چگونگی و سرانجام آن پدیده تأثیر می‌گذارد.

چگونگی رابطه اراده الهی را با تأثیرگذاری انسان در پدیده ظهور به همین شکل تحلیل و بررسی باید کرد؛ زیرا نزدیک شدن زمان ظهور و تحقق آن، به طور مطلق و لایشرط به اراده الهی وابسته نیست، بلکه به فراهم شدن زمینه و مقدمه‌های آن نیز مشروط است و عوامل انسانی و آمادگی اوضاع اجتماعی، بخشی از مهم‌ترین عوامل و اسباب به شمار می‌روند؛ زیرا پدیده ظهور و تشکیل حکومت عدل جهانی به دست حضرت حجت $\square$ ، پدیده‌ای طبیعی، این جهانی یکی از نیاز بشر و به سرنوشت جامعه انسانی مربوط است. روشن است که این تحول بزرگ با گستره جهانی، پس از فراهم آمدن زمینه‌ها و اوضاع ویژه‌ای رخ می‌نماید و تعجیل یا تأخیر در زمان آن، با عوامل مقدماتی، چگونگی اوضاع زمانی و نوع رویکرد انسان‌ها، رابطه‌ای استلزامی و انفکاک‌ناپذیر دارد.

بنابراین، مسئله ظهور حضرت مهدی $\square$ و تأخیر یا تعجیل در آن، هم‌چون اصل پدیده غیبت و درازای زمان آن، عوامل فراوانی دارد، یعنی دگرگونی فضای زندگی و صعود یک‌پارچه جامعه بشری به اوضاع ایده‌آل آکنده از عطر عدالت و معنویت عصر ظهور، جدا از اوضاع کنونی و نوع کارکرد انسان، متعلق اراده الهی نخواهند بود.

۲. تحلیل قرآنی

قرآن کریم درباره ضابطه‌مندی نظام جهان و سرنوشت فردی و اجتماعی انسان، سنت الهی را این‌گونه معرفی می‌کند:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^{۲۰۴}

بنای الهی بر این است که سرنوشت هیچ گروهی را تغییر ندهد مگر این که آنان در جهت تغییر آن (از حالت خوبی به بدی یا بالعکس)، اقدام نمایند.

امام صادق $\square$ نیز درباره سنت الهی در جهان می‌فرماید:

أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأُمُورُ إِلَّا بِأَسْبَابِهَا فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا...^{۲۰۵}

خداوند از این که جریان امور عالم را جز از طریق اسباب و علل آن انجام دهد، پرهیز می‌کند. به همین علت، برای هر چیزی سببی قرار داده است.

عبارت ظریف «ابی الله» نشان می‌دهد که قدرت بی‌حد و مرز الهی با وصف «حکمت»

همراه است. او افزون بر این که قادر مطلق است، حکیم مطلق است و این وصف حکمت، ضابطه و معیار قدرت‌نمایی اوست. واژه «ابی» بیان‌گر این است که خداوند می‌تواند جهان را بدون تأثیر اسباب عادی، تدبیر نماید، اما حکمت او موجب می‌شود که هر پدیده تنها با اسباب و علل ویژه‌ای و به طور نظام‌مند، تحقق یابد. لذا به جای «لا یجری» عبارت «ابی الله» به کار رفته است؛ یعنی خداوند نمی‌خواهد که چنین کند؛ زیرا سنت حتمی الهی بر این پایه استوار است که هرگونه تغییر در سرنوشت فردی و اجتماعی انسان در جهت انحطاط یا رشد تنها با انتخاب و اراده خود انسان، تحقق پذیرد. آیه پیش گفته نیز، این سنت الهی را درباره انسان، باز می‌گوید و تغییر وضع و سرنوشت هر قوم و طایفه‌ای را وابسته کارهای نخستین آنان می‌داند. بنابراین، عامل انسانی از برترین علت‌های معده رخ داد ظهور است و علت تامه به شمار نمی‌رود.

برتری این عامل به این دلیل است که عوامل طبیعی و اجتماعی، مانند صنعت، اقتصاد و فرهنگ، به طور مستقیم یا غیرمستقیم آن تأثیر می‌پذیرند. هر نوع تغییر و دگرگونی در زمینه دانش، فرهنگ، تمدن، اقتصاد، رفاه اجتماعی، صنعت و تکنولوژی، ابزار و وسایل آسایشی، بهداشتی، ارتباطی و امنیتی، بافت جغرافیایی، شهرسازی و رشد و شکوفایی آنها بر اثر تعامل انسان با طبیعت و استخدام منابع طبیعی پدید می‌آید. هیچ یک از این عوامل بدون تأثیرگذاری مدیریتی و استخدامی انسان، چنین روندی نخواهند داشت. انسان نیز جدای از این عوامل و بیرون از صحنه بستر طبیعی، چنین نقشی نمی‌تواند بیافریند. این مطلب را از کلمه «یغیروا» در آیه **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**، نیز می‌توان فهمید؛ زیرا این آیه، تأثیرگذاری انسان را در تغییرهای انفسی و آفاقی، شرط لازم برای جلب مشیت و اراده الهی می‌داند. پدید آمدن تغییرها و تحقق خواست‌های انسان، بر پایه این آیه به کار او در زمینه ایجاد دگرگونی درونی و مدیریت پدیده‌های بیرونی، مشروط است.

بنابراین تأثیر مردم در فرآیند ظهور، دست‌کم در قالب علت معده، موضوعی قطعی و انکارناپذیر است؛ زیرا انتظار ظهور چیزی جز انتظار تغییر نظام‌های ظالمانه حاکم بر جهان و تبدیل آن به نظام عدل جهانی، نیست و مأموریت مهم حضرت

مهدی **ﷺ** نیز در عصر ظهور ایجاد همین تحوّل در اوضاع جهان است. تحوّل که پیش از وی هیچ کس توان ایجاد آن را نداشته است. او افزون بر دگرگون ساختن نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بشر جهان را از قسط و عدل پر می‌نماید: **«الذی یملا الأرض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً»**^{۲۲}. حکومت جهانی آن حضرت نه به قسط و عدل که به پر کردن جهان از آنها می‌پردازد.

این دگرگونی در عصر ظهور و فراگیر شدن عدالت، بی‌گمان با هم‌گرایی، میل، رغبت و خواست عمومی همراه است و جز بر افراد خاصی تحمیل نمی‌شود. برخورد حضرت با منع‌کنندگان این روند به طور طبیعی قهرآمیز خواهد بود.

اگر نگرش‌های عمومی عوض نشود، حکومت دینی نزد مردم اهمیت و ارزش نیابد و آنان وجود رهبری الهی را برای نجات و رهایی خویش ضروری ندانند و او را نخواهند، ظهوری تحقق نمی‌پذیرد؛ زیرا خداوند این هدیه را گزاف و بدون مئونه به مردم نمی‌دهد. اصلاح گرفتن این هدیه به جهت‌گیری عمومی و معطوف شدن نگاه‌ها به سوی آن حضرت مشروط است. از این‌رو، خواستن حضرت حجت **ﷺ** بدون عزم عمومی برای زمینه‌سازی ظهور او، فریادی بی‌پاسخ است. امام صادق **ﷺ** می‌فرماید:

إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ يَأْسٍ لَا وَاللَّهِ حَتَّى تَمَيِّزُوا^{۲۳}

این امر تحقق نخواهد یافت مگر بعد از یأس و ناامیدی از دیگران، نه به خدا سوگند، این امر پدید نخواهد آمد تا زمانی که صف‌بندی‌ها و ماهیت هر کسی آشکار گردد.

امام رضا **ﷺ** نیز در این باره می‌فرماید:

إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ بَعْدَ الْيَأْسِ^{۲۴}

ظهور زمانی رخ خواهد داد که مردم ناامید شده باشند.

این سخنان هشدار به شیعیان و مدعیان انتظار ظهور است که خداوند خلوص نیت و ثبات قدم آنان را در عصر غیبت می‌آزماید و تعلیمی برای اصلاح نگرش‌های غیرواقع‌بینانه به

مسئله انتظار ظهور و تأکیدی بر اهمیت تأثیر و جایگاه انسان منتظر در این فرآیند شمرده می‌شوند.

۳. شواهد روایی

افزون بر دلایل فلسفی و قرآنی، روایت‌هایی نیز ضرورت زمینه‌سازی و آمادگی مردم را برای ظهور حضرت حجت □، اثبات می‌کند. برخی از این روایت‌ها، صریحاً به تأثیر زمینه‌سازانه تلاش‌ها و کوشش‌های عده‌ای از مردم برای قیام حضرت و برپایی حکومت جهانی امام مهدی □ اشاره می‌کنند. روایت زیر را فریقین از پیامبر اکرم □ نقل کرده‌اند:

يُخْرِجُ نَاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ؛^{۲۵}

در آینده عده‌ای از مردم مشرق زمین به پا خواهند خواست و زمینه را برای استقرار حکومت مهدی فراهم خواهند ساخت.

ابن ابوالفتح اربلی، صاحب کشف الغمّه، پس از نقل این حدیث، درباره صحت سند آن می‌گوید:

هذا حديث صحيح روته الثقات والاثبات.^{۲۶}

برخی از روایت‌ها، شیعیان را به صبر، مقاومت و انتظار فرا می‌خوانند و انتظار را بهترین عمل انسان می‌دانند. امام حسن عسکری □ در نامه‌ای به علی بن بابویه قمی، به او و همه شیعیان چنین سفارش می‌کنند:

عليك بالصبر وانتظار الفرج، قال النبي □ أفضل أعمال أُمّتي انتظار الفرج. و لا يزال شيعتنا في حزن حتّى يظهر ولدي الذي بشر به النبي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً، فاصبر يا شيعي يا أبا الحسن علي وأمر جميع شيعتي بالصبر فإنّ الأرض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين؛^{۲۷}

بر شما باد صبر و مقاومت و انتظار فرج؛ زیرا پیامبر □ فرمود: برترین عمل امت من این است که درصدد فرج و گشایش باشند. شیعیان ما همواره در حزن و اندوه به سر خواهند برد تا این که فرزندم، همان کسی که پیامبر، ظهورش را بشارت داده است، قیام کند و زمین پر از ظلم و جور را پر از عدل و داد نماید. سپس استقامت داشته باش ای ابوالحسن! و همه شیعیان من را به صبر و مقاومت امر کن! چون خداوند مالک زمین است و به هر گروه از بندگان خود که بخواهد آن را می‌بخشد و پایان و نتیجه کار از آن اهل تقواست.

نکته‌های زیر در این حدیث تأمل برانگیز است:

یکم) امام حسن □ در این نامه، پس از توصیه به التزام عملی به تکلیف‌های فردی، مانند اقامه نماز، دادن زکات، تفقه در دین و تعهد به قرآن و...، عمل به تکلیف‌های اجتماعی را مانند هم‌کاری با دیگران، کوشش برای اصلاح امور مردم، احیای امر به

بنابر این تأثیر مردم در فرآیند ظهور، دست‌کم در قالب علت معده، موضوعی قطعی و انکارناپذیر است؛ زیرا انتظار ظهور چیزی جز انتظار تغییر نظام‌های ظالمانه حاکم بر جهان و تبدیل آن به نظام عدل جهانی، نیست و مأموریت مهم حضرت مهدی □ نیز در عصر ظهور ایجاد همین تحول در اوضاع جهان است.

معروف و نهی از منکر و...، لازم می‌شمارد و شیعیان را به صبر کردن و انتظار فرج فرا می‌خواند.^{۲۸}

دوم) سخن رسول اکرم ﷺ درباره اهمیت انتظار فرج (أفضل أفعال أُمّی انتظار الفرج) در ضمن حدیث امام حسن عسکری ﷺ آمده است. امام باقر ﷺ و امام رضا ﷺ نیز این حدیث نبوی را نقل نموده‌اند.^{۳۱} انتظار فرج در این حدیث، هم سخن عمل دانسته شده است. «فرج» به معنای مطلق گشایش است که مصداق اکمل آن با ظهور حضرت مهدی ﷺ تحقق می‌یابد؛ زیرا فرج ظهور، گشایش کلی است.^{۳۲} طبیعی است که انتظار چنین فرجی، بر صدر همه انتظارها قرار خواهد گرفت. انتظار فرج و تحقق گشایش بر پایه کلام پیامبر ﷺ و توصیه امام عسکری ﷺ، با تلاش و عمل، معنا و مفهوم دارد و با بی‌اعتنایی، بلاتکلیفی و واگذاری اصلاح جامعه به امام زمان ﷺ، جمع ناشدنی است. کسی منتظر آن حضرت به شمار می‌رود که با عمل به تکلیف‌های دینی و سر سپردن به تعهدهای سیاسی - اجتماعی خویش، در اصلاح وضع موجود بکوشد و برای تحقق اصلاحات بزرگ‌تر، منتظر قیام حضرت باشد. انتظار فرج با چنین وصفی، برترین عمل می‌تواند باشد. برخی از روایات، به طور شایسته‌ای منتظران ظهور حضرت صاحب الامر ﷺ را می‌ستایند:

المنتظر للثانی عشر کالشاهر سیفه بین یدی رسول الله
یذب عنه؛^{۳۳}

منتظران امام دوازدهم همانند مدافعان شمشیر به دست پیامبر ﷺ هستند.

و نیز می‌فرماید:

کسی که منتظر و آماده ظهور باشد اما ظهور امام زمان را درک نکند و بمیرد، همانند کسی است که در خیمه حضرت قائم ﷺ و همراه اوست، بلکه مانند کسی است که در کنار پیامبر ﷺ شمشیر می‌زند.^{۳۴}

این دو روایت و دیگر روایت‌های مشابه، به انتظار مثبتی اشاره می‌کنند که در آن شخص منتظر، خود را ملزم به زمینه‌سازی، می‌داند، در آن راه قدم بر می‌دارد و به اتفاق‌های پیرامون و وظیفه‌های دینی، سیاسی و اجتماعی خویش، بی‌اعتنایی نمی‌کند.

هم‌چنین برخی از توقیع‌های حضرت مهدی ﷺ که شیعیان را به کثرت دعا برای تعجیل در ظهور فرا می‌خوانند «و اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج»^{۳۵} و دعاها و روایت‌هایی که ظهور آن حضرت و شهادت در رکاب او را مهم‌ترین دغدغه شیعیان در عصر غیبت می‌دانند، نشان‌دهنده آن است که انتظار ظهور و تعجیل در آن، مستلزم بسترسازی و تلاش برای تحقق آن است.

تفاوت‌ها و پی‌آمدها

نظریه تحصیلی دو تفاوت با نظریه حصولی بودن ظهور و پی‌آمدهای مهمی دارد:

الف) تأکید بر عادی بودن فرآیند ظهور

شاخص اصلی نظریه تحصیلی، این است که با توجه به سنت‌های الهی مانند آزمایش و تغییر سرنوشت انسان به دست خودش، انقلاب جهانی مهدی ﷺ از مجرای اسباب و علل عادی و طبیعی تحقق می‌پذیرد. گرچه حضرت مهدی ﷺ در این رخداد بزرگ، از حمایت‌های آسمانی و معنوی برخوردار است، حادثه ظهور از روند عادی و طبیعی خود بیرون نمی‌رود. انقلاب جهانی مهدی موعود ﷺ بر پایه این نظریه، پیش از هر چیز به اراده توده‌های عظیم انسانی وابسته است و حضرت مهدی ﷺ در این کار بزرگ به یاران ویژه‌ای نیاز دارد. گرچه آن حضرت در آغاز قیام، با موانع فراوان و مقاومت دشمنان، روبه‌رو می‌شود، بر اثر رشد افکار عمومی و همگانی شدن اطلاعات، موانع به سرعت رفع خواهد شد و بشر خسته از ظلم و تشنه عدالت، دیدن آرمان‌های فطری خود در سیمای حکومت حضرت مهدی ﷺ، به استقبال طرح نظام عدل جهانی، خواهد رفت.

تحقق هر انقلابی با اسباب عادی به مقدمه‌ها و زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیاز دارد، از این‌رو هرگز نمی‌توان انتظار داشت که انقلاب حضرت مهدی ﷺ با توجه به عمق و گستردگی آن، در سطح جهان، بدون آمادگی افکار عمومی، برای پذیرش این تحول عظیم برپا گردد.

بنابراین، بالا رفتن از هر پله نردبان زمینه‌های ظهور، ما را گامی به بام ظهور نزدیک‌تر می‌سازد و هر عمل فرهنگی و

تبلیغی، در تعجیل یا تأخیر در زمان ظهور می‌تواند مؤثر باشد. اگر برای انقلاب مهدوی به زمینه و محیط مناسبی برای سامان دادن به کارهای علمی، سیاسی، نظامی و فرهنگی نیاز داریم، تشکیل حکومت دینی شیعه در عصر غیبت، گام بلندی به سوی ظهور شمرده می‌شود.^{۳۶}

ب) کاربردی بودن اندیشه تحصیلی

دیدگاه تحصیلی به رغم دیدگاه حصولی بر عمل‌گرایی و نقش‌آفرینی انسان تأکید می‌کند. انتظار ظهور در نظریه حصولی از حد شعار فراتر نمی‌رود؛ زیرا این دیدگاه، قیام و برنامه‌های امام زمان علیه السلام را از کارکرد جامعه جدا می‌داند. روشن است که این نگرش عافیت‌طلبانه و تکلیف‌گریزانه، پی‌آمدی جز فرسایش و رکود ندارد.

اما نظریه تحصیلی، به طور کاربردی، مثبت، سازنده، پویا و تحول‌آفرین به مسئله ظهور می‌نگرد. اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در این دیدگاه، تنها ادعا و باور نیست، بلکه راه زندگی فرد معتقد به ظهور را نیز مشخص می‌کند. این نگاه راه‌بردی شیعه به آینده روشن و امیدبخش، جامعه مرده و بی‌تحرك را به جامعه‌ای زنده و پویا می‌تواند بدل کند.

تفاوت باورمندان حقیقی با مدعیان، بسیار چشم‌گیر است. منتظران واقعی به انگیزه اصلاح وضع موجود، می‌کوشند تا موانع ظهور را بشناسند و آنها را رفع کنند، اما مدعیان انتظار، هر نوع اصلاحی را محکوم می‌کنند. منتظران واقعی، انتظار را تکلیف و رسالت و مدعیان، آن را رفع تکلیف می‌دانند. منتظران واقعی، زندگی فردی و اجتماعی خود را با خواسته‌های منتظر هم‌آهنگ می‌سازند، اما مدعیان انتظار هیچ تأثیری از او نمی‌پذیرند. منتظران واقعی از سرنوشت خود و جامعه نگرانند، اما مدعیان انتظار درباره سرنوشت خود و جامعه نمی‌اندیشند. منتظران واقعی برای برپایی عدالت، تلاش می‌کنند، اما مدعیان انتظار، استقرار عدالت را به منجی غیبی وامی‌گذارند. منتظران واقعی، به معروف امر و از منکر نهی می‌کنند و در برابر آزارها و تکذیب‌ها می‌ایستند، اما مدعیان، به دیگران بی‌اعتنائند.^{۳۷}

تفاوت این دو نگرش، مانند تفاوت دیدگاه حضرت موسی علیه السلام با بنی اسرائیل درباره «ارض موعود» یا فلسطین است. موسی علیه السلام در مبارزه با فراعنه و جباران حاکم، با امر خداوند به پیروان خود دستور می‌دهد که آن سرزمین را بگیرند:

﴿يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ﴾^{۳۸}

ای بنی اسرائیل، وارد سرزمین مقدسی شوید که خداوند از آن شما ساخته است، مبدا در این پیکار پشت به دشمنان کنید که به سرنوشت زیان‌باری دچار خواهید شد.

هم موسی علیه السلام و هم بنی اسرائیل، خواستار ورود به سرزمین فلسطین بودند. اما انتظار

دیدگاه تحصیلی به رغم دیدگاه حصولی بر عمل‌گرایی و نقش‌آفرینی انسان تأکید می‌کند. انتظار ظهور در نظریه حصولی از حد شعار فراتر نمی‌رود؛ زیرا این دیدگاه، قیام و برنامه‌های امام زمان علیه السلام را از کارکرد جامعه جدا می‌داند. روشن است که این نگرش عافیت‌طلبانه و تکلیف‌گریزانه، پی‌آمدی جز فرسایش و رکود ندارد. اما نظریه تحصیلی، به طور کاربردی، مثبت، سازنده، پویا و تحول‌آفرین به مسئله ظهور می‌نگرد. اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در این دیدگاه، تنها ادعا و باور نیست، بلکه راه زندگی فرد معتقد به ظهور را نیز مشخص می‌کند. این نگاه راه‌بردی شیعه به آینده روشن و امیدبخش، جامعه مرده و بی‌تحرك را به جامعه‌ای زنده و پویا می‌تواند بدل کند.

موسی □ با انتظار قومش بسیار متفاوت بود. این وعده الهی، از دیدگاه موسی □ تنها با کاری شجاعانه و ایثار و مجاهدت تحقق پذیر بود. اما بنی اسرائیل، بدون پرداختن هیچ هزینه‌ای، در انتظار تحقق آن بودند و گفتند:

﴿فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾؛^{۳۹}

تو و خدایت با دشمنان بجنگید و شهر را تصرف کنید. ما این جا تماشا می کنیم!

این دو نوع نگرش متفاوت، در هر موضوعی، پی آمدهای ویژه‌ای دارد. آن چه در بحث انتظار ظهور منجی موعود نیز انگیزه، عزم و اراده عمومی را می تواند برانگیزد و جامعه را به مرحله عمل، حرکت و دگرگونی برساند، نگرش زنده و اصلاح طلبانه موسوی به این موضوع است.

اگر خواستار ظهور حضرت مهدی □ و دگرگونی در جهانیم، رخ داد ظهور نیز در انتظار کارهای پیشین ما و زمینه سازی های لازم است. اگر مردم جهان از ظلم، تبعیض، فساد، ناامنی و ... خسته شده اند و صلح، امنیت، عدالت و رشد و تعالی را می خواهند، زمینه های پذیرش این تحول بنیادی را در خود باید پدید آورند. حضرت مهدی □ تا هنگامی که آهنگ عدالت خواهی فضای عمومی جامعه را پر نکند، هم چنان در پرده غیبت در انتظار خواهند نشست.

پاسخ به یک پرسش

اگر مردم هیچ گاه به وظیفه خود عمل نکنند و به ارزش های الهی روی نیاورند، آیا حضرت مهدی □ ظهور نخواهند کرد؟

این فرض عملی نخواهد شد؛ زیرا روند رو به کمال رشد افکار عمومی، شکوفایی علوم و آگاهی و تمدن و فرهنگ، از یک سو، میل فطری و طبیعی انسان ها به کمال انسانی و ارزش های متعالی و فزونی ظلم و فساد و تباهی از سوی دیگر، عوامل بازگشت بشر به اصول دینی و انسانی، به شمار می روند. سرانجام خرد جمعی بشر به این نتیجه خواهد رسید که راه دیگری برای سعادت و صلاح جز بازگشت به این اصول ندارد.

روند سیطره ظلم و فساد و جهان گیر شدن آن، به دلیل ضدیت با خواسته های فطری انسان، پایدار نخواهد ماند؛ زیرا شدت و کثرت ظلم و جور، وجدان های خفته را بیدار و انسان های خسته از ظلم و تشنه عدالت را در پایان، برای استقبال از حکومت عدل جهانی آن حضرت آماده خواهد کرد.

پی‌نوشت‌ها

- *. کارشناس سطح ۳ مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن قم و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت
۱. گفتنی است که معین یا متغیر بودن وقت ظهور، منافات با علم ازلی الهی به زمان ظهور ندارد، چنان‌که متغیر بودن سرنوشت انسان که وابسته به نوع عمل‌کرد و اراده اوست، منافات با علم ازلی الهی به آینده انسان ندارد؛ زیرا همه چیز با وصف ثبات یا تغییر، در علم الهی مشخص و معین است.
 ۲. شیخ صدوق، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ص ۴۸۵، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ قمری.
 ۳. همان، ص ۶۴۴.
 ۴. ابن‌شعبه الحرائی، *تحف‌العقول*، ص ۳۷، چاپ سوم: مؤسسه النشر الاسلامی لجامعة المدرسین، قم ۱۳۶۳ شمسی.
 ۵. محمدباقر مجلسی، *بحار‌الأنوار*، ج ۳۶، ص ۳۹۲، انتشارات مؤسسة الوفاء، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
 ۶. شیخ عبدالحسین امینی، *الغدير*، ج ۲، ص ۲۰۳، انتشارات دار الکتاب العربی، بیروت ۱۳۹۷ قمری.
 ۷. شیخ طوسی، *الغیبة*، تحقیق عبدالله طهرانی و علی‌احمد ناصح، انتشارات مؤسسة المعارف الاسلامی، ۱۴۱۱ قمری.
 ۸. گروه «انجمن حجتیه»، از نمودهای این اندیشه در دوره معاصر به شمار می‌رود.
 ۹. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۳-۱۵.

۱۰. ابن ابی الفتح اربلی، کشف الغمة فی معرفة الاثمة، ج ۳، ص ۲۷۸، چاپ اول: انتشارات دار الاضواء، ۱۴۰۵ قمری.
۱۱. شیخ طوسی، الغیبة، فصل اول، ص ۱۱.
۱۲. نک: سید محمدباقر صدر، بحوث حول المهدي، المبحث السابع.
۱۳. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۳-۱۵.
۱۴. همان.
۱۵. سوره توبه، آیه ۳۶.
۱۶. سوره بقره، آیه ۱۹۱.
۱۷. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵.
۱۸. امام خمینی، کشف الأسرار، ص ۲۸۹. (به نقل از: حبیب الله طاهری، سیمای آفتاب، ص ۱۵۱)
۱۹. همان.
۲۰. سوره رعد، آیه ۱۱.
۲۱. سیدعبدالله الشیر، الأنوار الالامعه فی شرح الزیارة الجامعة، ص ۶۲ چاپ اول: انتشارات مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
۲۲. احمد بن علی الطبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۸، انتشارات دار النعمان فی النجف الاشرف، ۱۳۸۶ قمری.
۲۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱.
۲۴. همان، ص ۱۱۰، روایت هفدهم؛ محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۸۳، چاپ اول: انتشارات دارالحدیث.
۲۵. کشف الغمة فی معرفة الاثمة، ج ۳، ص ۲۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۷.
۲۶. همان.
۲۷. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۵۲۷، مطبعة الحیدریة فی النجف، ۱۳۷۶ قمری؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۳۱۸.
۲۸. شیخ عباس قمی، الأنوار البهیة فی تواریک حجج الالهية، ص ۲۲۰، چاپ اول: مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۱۷ قمری.
۲۹. همان، ص ۳۶۸.
۳۰. عیون الاخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۵، روایت ۸۷؛ معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۲۷۰.
۳۱. امام جواد، می فرماید: «أفضل أعمال شیعتنا إنتظار الفرج.» (بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶)
۳۲. قال الامام زین العابدین: «انتظار الفرج من أعظم الفرج.» (بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۷)
۳۳. نعمانی، الغیبة، ص ۹۱، تحقیق علی اکبر غفاری، انتشارات مکتبه الصدوق، تهران؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱.
۳۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱.
۳۵. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۸۵.
۳۶. ماهنامه موعود، ش ۴۸، ص ۳۰.
۳۷. همان، ش ۲۸.
۳۸. سوره مائده، آیه ۲۱.
۳۹. سوره مائده، آیه ۲۴.